

تاریخچه‌ی نحوه‌ی برخورد ایران با غرب (۱)

۱۶ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۳۲

نخستین تماسهای ایرانیان با غرب به گونه‌ای بود که از همان ابتدای امر در اثر خوی تجاوزگرانه و امپریالیستی ایشان بدبینی نسبت به سردمداران این تمدن در دل ایران و ایرانی ریشه دواند. ریشه‌ی تفکر استعماری در مغرب زمین به عواملی فکری - اعتقادی در ذهن سیاستمداران غربی بر می‌گردد که از جمله عبارتند از: ۱- اعتقاد ایشان به برتری نژادی و ذاتی، که بین گروه‌های انسانی به دلیل تفاوت وراثتی تمایز قائل شده و در گفتار یا عمل و یا در هر دو خود را برتر از انسان شرقی می‌پندارند. ۲- انکار واقعیت‌های جهان و اصرار بر رسیدن به منافع خود در هر شرایط و با هر ابزاری. ۳- قدرت مادی و بهره‌مندی دول استعماری از نعماتی که طبیعت در اختیار آنان گذارده و یا با چپاول ملل دیگر بدست آورده‌اند

نخستین تماسهای ایرانیان با غرب به گونه‌ای بود که از همان ابتدای امر در اثر خوی تجاوزگرانه و امپریالیستی ایشان بدبینی نسبت به سردمداران این تمدن در دل ایران و ایرانی ریشه دواند. ریشه‌ی تفکر استعماری در مغرب زمین به عواملی فکری - اعتقادی در ذهن سیاستمداران غربی بر می‌گردد که از جمله عبارتند از: ۱- اعتقاد ایشان به برتری نژادی و ذاتی، که بین گروه‌های انسانی به دلیل تفاوت وراثتی تمایز قائل شده و در گفتار یا عمل و یا در هر دو خود را برتر از انسان شرقی می‌پندارند. ۲- انکار واقعیت‌های جهان و اصرار بر رسیدن به منافع خود در هر شرایط و با هر ابزاری. ۳- قدرت مادی و بهره‌مندی دول استعماری از نعماتی که طبیعت در اختیار آنان گذارده و یا با چپاول ملل دیگر بدست آورده‌اند. دوران هجوم غرب به شرق از دست‌اندازی فینیکی‌ها بر کرانه‌های شرقی دریای مدیترانه آغاز می‌شود. پس از ایشان یونانی‌ها و رومیان از ادامه دهندگان راه آنها بودند تا اینکه به علت گسترش ارتباطات و حمل و نقل به دوره‌ی استعمار جهانی اروپا با سردمداری پرتغال، هلند اسپانیا و پس از آن انگلستان و فرانسه می‌رسیم. در قرن نوزدهم و بیستم غارت مستعمرات به انقلاب صنعتی در اروپا انجامید که قدرتی بیشتر برای تسلط بر کشورهای پیرامون به اروپایی‌ها می‌بخشید. جنگ جهانی دوم اما فرصتی درخشان را برای ظهور و خودنمایی دو استعمارگر جدید فراهم ساخت که عبارت از آمریکا و شوروی بودند. خاطره جمعی ملت ایران لبریز از یادگارهای شوم دولتهای غربی بر زمانه و زندگی ایشان است و ریشه‌ی بی‌اعتمادی امروز ایرانیان به دول غربی حتی وقتی که اظهار تمایل به مذاکره و سازش می‌نمایند، به همین پیشینه تاریخی تاریک ایشان برمی‌گردد.

به تفکیک مراحل تاریخی، مسئله نحوه برخورد ایران با غرب را می‌توان در ادوار ذیل بررسی نمود:

الف) دوران پیش از صفویان: ایران تا پیش از اعمال فشار مستقیم سرمایه‌داری غرب بر سرزمینهای اسلامی با بسیاری کشورهای

اروپایی پیوند داشت که عمدتاً به دلیل وجود دشمن مشترک یعنی عثمانی بود. بر همین اساس بود که در سال ۱۴۰۲ میلادی امیر تیمور گورگانی که بر ایران، هند، قفقاز و بخشی از روسیه حکومت می کرد، با جمهوری ونیز و امپراطوری روم شرقی هم پیمان شده و با یزید یکم سلطان عثمانی را شکست داد و اسیر نمود. سپس سلام ویژه خود را شارل ششم فرستاده و پیشنهاد پیوندهای متقابل بازرگانی را به او داد. در دوران فرمانروایی ترکمانان آق قویونلو و در عهد اوزون حسن این نزدیکی تا بدانجا پیش رفت که وی دختری اروپایی از بیزانس را به همسری می گرفت.

(ب)

دوران صفویان: در این زمانه عثمانی دشمنی بزرگ هم برای ایران و هم برای اروپا بود اما نخستین کشوری که با ایران در این زمان ارتباط یافت پرتغال بود اما این پیوند نه بر پایه دوستی که با یورش پرتغال به جزیره هرمز و ساختن دژ در سایر جزایر خلیج فارس مانند قشم آغاز شد. در این زمان دو کشور دیگر غربی که با ایران پیمان داشتند فرانسه و هلند بودند. اما در مجموع پیوندهای ایشان غیردوستانه نبود. بیشترین رابطه با انگلیس و در زمان شاه عباس وجود داشت که در نبرد با عثمانی و نیز برای بیرون راندن پرتغال و اسپانیا در جزایر خلیج فارس همکاری داشتند. نیت شاه عباس از این همپیمانی علاقه به اروپائیان نبوده است و او در اصل به دنبال متحدی در برابر عثمانی و سایر دشمنان بوده. بیشتر شاهان صفوی با اروپا جز در موارد خاص رابطه ی خصمانه ای نداشتند که این وضع تا روزگار شاه سلطان حسین نیز تداوم یافت.

(ج) نادرشاه و افشاریه: دوستی غرب با ایران در روزگار نادرشاه افشار همچنان تداوم یافت که عثمانی نیز کاتالیزور این مودت بود. اما او در دو مقطع آغاز و پایان فرمانروایی خود از در ستیز با انگلیس درآمد. از آن رو که باور داشت در جنگ ۱۷۳۳م در بصره با عثمانی، انگلیس با دشمن وی همدستی کرده است. علت بدرفتاریها واپسین او نیز خلق و خوی بدبینانه ای بود که در اواخر عمر به همگان پیدا کرده بود. او دو اقدام تأثیرگذار در رابطه با غرب انجام داد: اولی یورش به هند و فتح آن در طی ۱۷۳۹ میلادی و کار دیگر او تصمیم به تشکیل یک نیروی دریایی نیرومند در خلیج فارس بود. در کارهای مربوط به نیروی دریایی در این هنگام هلندیها نیز به نادر مساعدت می کنند و دو کشتی نیز از کمپانی هند شرقی خریداری می شود. او در واپسین روزهای عمر خود اما دستور تاراج اموال کمپانی هند شرقی و شکنجه کارکنان آن را داد. در مجموع اما این نادر بود که با خاتمه دادن به امپراطوری مغول در هند، زمینه اصلی را جهت گسترش نفوذ و استعمار انگلستان در این سرزمین فراهم کرد. پیوندهای او با روسیه تزاری نیز در مجموعه دوستانه بوده است و تزارهای روسی نیز بدون اینکه دشواری زیادی برای نادر فراهم کنند سرزمینهای ایران را ترک کردند.

(د) زندیه: کریم خان زند در طول فرمانروایی خود به استثنای مواردی رفتار دوستانه با دولت‌های غربی داشته است. پیوند وی با هلندی‌ها ی به میزان در خور توجهی نبوده است. از طرف دیگر رابطه فرانسه با ایران بدون تنش است و کمپانی هند شرقی فرانسه می کوشد پیوند دوستی با ایرانیان را برقرار سازد و کمک نظامی این کشور به کریم خان در بیرون راندن امیر مهنا از جزیره خارک سبب نزدیکی به این دو شده بود. پیوندها با روسیه نیز چندان بد نبوده است و این کشور نقش بزرگی در بازار ایران یافته بود. پیوند بازرگانی ایران و روسیه حتی در دوران جانشینان کریمخان نیز تداوم می یابد. البته در ادامه حکومت وی به سبب دشمنی عثمانی با روسیه و ایجاد درگیری بین ایران و روسیه دو کشور مسلمان همسایه به هم نزدیکتر گشتند. اما پیوند کریمخان با انگلیس بسیار دوستانه بود و به آنها امتیازات متعددی را در ایران می داد. این پیوند ها هم در زمینه ی تجاری و هم نظامی وجود

داشته استجانشین کریمخان، جعفرخان زند نیز از در دوستی بیشتر با انگلیس در آمد و این روند دوستی و مودت تا زمان آخرین فرمانروایی زندیه یعنی لطفعلی خان پا بر جا ماند

ادامه دارد . . .

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۳۵۹/پ-نحوه-پ-تاریخچه/۱-غرب-یران-ا-برخورد-پ-نحوه-پ-تاریخچه>